

بررسی و تحلیل ضرورت و جایگاه برنامه ریزی درسی و تاثیر آن در

پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

فرشید خلیلی دهدزی

فوق لیسانس روانشناسی عمومی

چکیده

یکی از ویژگی‌های بارز انسان، قدرت تفکر و اندیشه است. انسان در طول زندگی خود، هرگز از تفکر و اندیشه جدا نبوده است و با تفکر صحیح توانسته است به حل مسائل و مشکلات خود بپردازد و به رشد و تعالی نائل آید. داشتن یک برنامه درسی استاندارد و اصولی در دوره ابتدائی باعث می‌شود که دانش آموز در مقطع متوسطه به لحاظ تحصیلی بسیار موفق باشد و اعتماد به نفس بالایی پیدا کند. این اعتماد به نفس در کنار معلومات و دانش بالا زمینه‌ی تحصیل در رشته‌های خوب در دانشگاه‌های معتبر را برای او فراهم می‌کند. استفاده از یک برنامه ریزی درسی استاندارد و با اصول صحیح علمی به فرد کمک خواهد کرد انرژی و توان ذهنی خود را بیهوده به هدر ندهد. در این نوع برنامه ریزیهای استاندارد عمدتاً روشهای مفیدی مورد استفاده قرار می‌گیرد که موجب خواهد شد، فرد بیشترین استفاده را از توان ذهنی خود بکند و از اتلاف آن جلوگیری کند. به یک مثال توجه کنید، در برنامه ریزی تحصیلی بر مبنای یافته‌های روانشناسی اصل در نظر گرفته می‌شود، با این محتوا که بعد از مدتی از شروع مطالعه و یادگیری منحنی یادگیری بسیار پائین می‌آید، بطوری که فرد یادگیری خوبی بعد از این زمان نخواهد داشت، مگر اینکه یک استراحت کوتاهی داشته باشد.

کلمات کلیدی: پیشرفت تحصیلی، برنامه ریزی درسی، تفکر، یادگیری، دانش آموزان، اتلاف وقت

مقدمه

برنامه ریزی درسی یکی از راه‌های موفقیت در مطالعه است. تحصیل مهم‌ترین بخش زندگی هر فرد در جامعه را تشکیل می‌دهد. هر فرد برای اینکه بتواند از نظر تحصیلات در جامعه فرد مطرحی باشد، هیجده سال از عمر خود را صرف تحصیل در مدارس و دانشگاه‌ها می‌کند. این زمان، زمان کمی نیست پس باید حتماً برای انجام این فعالیت مهم برنامه ریزی تحصیلی دقیقی داشته باشیم. هیچ امری بدون برنامه ریزی کامل نخواهد بود، به ویژه مسائل تحصیلی که مدت زمان نیز در آن اهمیت زیادی دارد. پس بهتر است که برنامه ریزی درسی مناسبی داشته باشیم. برنامه ریزی و مدیریت زمانی در سال‌های تحصیلی می‌تواند تضمینی برای آینده شغلی باشد. پس لازم است که ما این برنامه ریزی را از سال‌های ابتدایی تحصیلی در زندگی قرار دهیم تا با گذشت زمان و سال‌های بالای تحصیلی پیش روی با برنامه ریزی یک امر کاملاً طبیعی و آسان به نظر بیاید. مسلماً مطالعه دروس بر اساس برنامه ریزی و مدیریت زمانی اصولی ما را در این امر موفق‌تر خواهد کرد. برنامه ریزی درسی تحصیلی، یکی از مهم‌ترین راه‌های مدیریت زمان و افزایش مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان به خصوص در کودکان است. برنامه ریزی درسی تأثیر مستقیم روی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان هم در مقطع تحصیلی فعلی و هم مقاطع تحصیلی بالاتر دارد. نکته‌ای که باید بسیار مورد توجه قرار داد، داشتن برنامه ریزی از مقطع ابتدایی است. کودکان باید با برنامه ریزی درسی آشنا شوند و هم چنین مقید به اجرای آن باشند. حتی در مقاطع تحصیلی بالاتر و با نزدیک شدن به کنکور، داشتن برنامه ریزی درسی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. برنامه ریزی درسی رابطه‌ی مستقیمی با پیشرفت تحصیلی بچه‌ها دارد. (ملکی ۱۳۸۰)

طبق تحقیقات متعدد صورت گرفته، دانش‌آموزانی که طبق برنامه ریزی درسی درس می‌خوانند، سطح علمی بالاتر و شانس بیشتری برای موفقیت هم از لحاظ تحصیلی و هم شغلی در آینده خواهند داشت. نحوه صحیح برنامه ریزی درسی برای دانش‌آموزان دبستانی به خصوص در سنین 10 تا 12 سالگی از اهمیت زیادی برخوردار است. یک برنامه درسی غیر استاندارد و نامناسب می‌تواند تأثیرات منفی روی دانش‌آموزان داشته باشد و حتی ممکن است علاقه و اشتیاق به درس خواندن را از بین ببرد.

داشتن یک برنامه درسی استاندارد و اصولی در دوره ی ابتدائی باعث می شود که دانش آموز در مقطع متوسطه به لحاظ تحصیلی بسیار موفق باشد و اعتماد به نفس بالایی پیدا کند. این اعتماد به نفس در کنار معلومات و دانش بالا زمینه ی تحصیل در رشته های خوب در دانشگاه های معتبر را برای او فراهم می کند. منظور از واقعی بودن این است که برنامه ریزی درسی باید بر اساس توانایی ها و امکانات کودک باشد. در غیر اینصورت برنامه درسی برای کودک سنگین و فشرده خواهد بود و نمی تواند آن را اجرا کند. عدم توانایی در اجرای برنامه درسی اعتماد به نفس کودک را بسیار کاهش می دهد و حتی ممکن است انگیزه ی خود برای درس خواندن را از دست بدهد.

برنامه ریزی درسی باید به صورت روزانه یا هفتگی باشد: بهتر است برنامه ریزی درسی به صورت روزانه یا هفتگی باشد. در اینصورت اگر تغییراتی در شرایط به وجود آید، به راحتی می توان برنامه را نسبت به شرایط موجود تغییر داد و یا اصلاح کرد.

برنامه ریزی درسی باید انعطاف پذیر باشد: برنامه درسی نباید غیر قابل تغییر و سخت باشد. اگر کودک نتواند به خوبی و در زمان تعیین شده با برنامه پیش برود، باید زمانی برای جبران این عقب افتادگی باشد. دانش آموز نباید احساس کند که فرصتی برای رسیدن به برنامه ی کلاس و هم کلاسی های خود ندارد. زیرا اینگونه نسبت به درس خواندن دلسرد می شود و روحیه ی خود را از دست می دهد.

ساعات مطالعه باید به صورت تدریجی زیاد شوند: اگر قصد دارید ساعات مطالعه را جهت پیشرفت تحصیلی افزایش دهید، حتما این کار را به صورت تدریجی انجام دهید. با این کار دانش آموز عادت مطالعه در مدت زمان بیشتر می کند و فشار فیزیکی و روانی زیادی به او وارد نمی شود. اگر ساعات مطالعه به یکباره و به طور چشمگیری افزایش داده شوند، دانش آموز ممکن است به لحاظ فیزیکی و روحی نتواند تحمل کند و نسبت به تحصیل دلسرد و خسته شود.

در نظر گرفتن زمان استراحت به اندازه مناسب در برنامه درسی: برای دانش آموزان دبستانی بهتر است پس از 45 تا 60 دقیقه درس خواندن، زمانی را برای استراحت به آن ها بدهید. استراحت کردن خستگی را از ذهن و جسم دانش آموز بیرون می برد و انرژی بیشتری برای یادگیری پیدا می کند. طبق

گزارشات انجام شده 15، تا 20 دقیقه استراحت کیفیت مطالعه و تمرکز دانش‌آموز را افزایش می‌دهد. (پروند ۱۳۶۹)

دروس حفظی و تحلیلی را در کنار یکدیگر قرار دهید: قرار دادن دروس تحلیلی پشت سر هم ذهن دانش‌آموز را خسته می‌کند. بهتر است دروس حفظی و تحلیلی در کنار هم ارائه شوند. برای مثال اگر قرار است دانش‌آموز به مدت یک ساعت ریاضی که یک درس تحلیلی است تمرین کند، بهتر است درس بعدی او را فارسی قرار دهید. با این کار بخش تحلیلی ذهن دانش‌آموز مقداری استراحت می‌کند و نکات تمرین شده در ذهن او تثبیت می‌شود.

برنامه ریزی درسی به یادگیری و طراحی عناصر و عوامل مختلف آنها مربوط می‌شود. فرایند یادگیری با عوامل گوناگون ارتباط دارد که هر یک از آنها در جریان و چگونگی یادگیری موثر است. استعدادها و تواناییهای فراگیرنده، محتوای برنامه درسی، نقش معلم، ارتباط متقابل دانش‌آموزان، فضای یادگیری و وسایل آموزشی هر کدام به نوعی در یادگیری موثر هستند. این عوامل باید به صورت یک مجموعه بهم پیوسته عمل کنند و هر عامل جزئی از کل محسوب شود. مجموعه قواعد و ضوابطی که به همه عوامل و عناصر یادگیری منطبق و سازمان می‌دهد و به فعالیت های یادگیری نظم می‌بخشد برنامه درسی است. (ملکی، ۱۳۹۰) برنامه درسی سندی است که در آن انتظارات از تحصیل، دانش و مهارت مورد نظر برای یادگیری تعیین و تعریف می‌گردد. در برخی کشورها، این سند در سطح ملی یا منطقه ای آماده می‌شود، در حالی که در کشورهایی هم سند برنامه درسی در سطح محلی تدارک دیده می‌شود. برنامه درسی هر جا که تولید شود، برنامه ای است رسمی یا دولتی. در مدارس، معلم موظف است برنامه درسی رسمی را دریافت کند، مقاصد و نیات آن را درک نموده و محتوای آن را با شرایط و منابع سازگار نماید، و براساس آن به برنامه ریزی و سازمان دهی امور اجرایی بپردازد. آن چه از این فرایند مدرسه محور حاصل می‌شود، برنامه درسی واقعی است - یعنی برنامه ای است که تدریس می‌شود و دانش‌آموزان آن را تجربه می‌کنند. محتوای برنامه درسی را شکل دهد تصمیم می‌گیرند. در تصمیم‌گیری، برنامه ریزان درسی از تصویری که از یک فرد تحصیل کرده دارند، و از نیازهای حال و آینده جامعه ملی و محلی اثر می‌پذیرند. (پور ظهیر ۱۳۶۹)

بیان مسئله

برنامه درسی به عنوان مسئله مورد علاقه بشر، تازگی نداشته و عمر آن به قدمت عمر انسان می‌رسد. رهبران سیاسی و مذهبی، فیلسوفان، نظریه پردازان اجتماعی، متخصصان حوزه تعلیم و تربیت، معلمان و والدین همواره توجه خاصی به این پرسش داشته‌اند که "چه چیزی باید آموزش داده شود؟". (طالبی، ۱۳۹۲) پی‌ریزی پایه‌های علمی برنامه درسی به عنوان یک حوزه مستقل و تخصصی و یک رشته تحصیلی به سال 1918 باز می‌گردد و نخستین کتاب در زمینه برنامه درسی توسط فرانکلین بوبیت منتشر شد. اگر چه بوبیت تحت تاثیر اصول مدیریت علمی بود، ولی در صدد کاربرد این اصول در برنامه درسی بوده است. در واقع اثر بوبیت نخستین پایه‌های نظری برنامه درسی را پی‌ریزی کرد و مشوق دیگران در امر برنامه درسی بود. (قورچیان، ۱۳۷۴) از این رو برنامه درسی بعنوان یک موضوع مهم در آموزش و پرورش جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. اما باید توجه داشت که شناخت برنامه درسی منوط بر شناخت اساس و پایه آن می‌باشد که در این نوشته در خصوص ضرورت شناخت مبانی بحث شده است.

مبانی برنامه ریزی چیست؟ تعریف مبانی آنطور که در فرهنگنامه‌ها آمده به معنای "بنا"، "ساختمان"، "پایه و اساس" و "Foundations" ذکر شده و با توجه به این تعریف، مبانی هر علمی بدنبال چارچوبها و پایه‌های آن علم است. آنچه در مبانی ذکر می‌شود در ابتدا تعریفی است که باید در خصوص آن علم وجود داشته باشد. سپس ویژگیهای آن علم را مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت به یک مفهوم مشترک برسد. بعنوان مثال اگر بخواهیم در خصوص مدیریت بحث کنیم ابتدا باید تعریفی از مدیریت داشته و سپس پایه‌ها، چارچوبها، و نظریه‌های مدیریت را مطرح نموده و در ادامه بحث مباحث دیگر مدیریت را بسط و گسترش داد.

مبانی برنامه ریزی درسی

همانطور که در مقدمه اشاره شد مبانی به معنای اصول و پایه و زیر بنای هر علمی است. در خصوص مبانی برنامه ریزی درسی می‌توان گفت "مبانی برنامه ریزی درسی آن دسته از نیروهای بنیادی و اساسی است که بر برنامه‌های درسی، اهداف، محتوای آن اثر گذاشته و در ادبیات برنامه ریزی درسی از آن تحت عنوان عوامل تعیین کننده برنامه درسی نام برده می‌شود.

(فتحی و اجارگاہ، ۱۳۹۳) بنا بر این بیان آنچه که مشخص‌کننده چارچوبهای برنامه درسی است و در مبانی به آن اشاره می‌شود.

تعریف برنامه درسی

مهمترین قسمت در بیان مبانی ذکر تعریفی از آن علم است تا با رسیدن به یک مفهوم مشترک بتوان ادامه مطالب را ساده‌تر بیان کرد جهت برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی درسی تعاریف متعددی ذکر شده که در این مقاله به چند نمونه اشاره می‌شود. ساده‌ترین تعریف برنامه‌ریزی نقشه‌کشیدن برای رسیدن به هدفهای مطلوب و مورد نظر می‌باشد. در اکثر کتب برنامه‌ریزی اشاره به تعریف راسخ از برنامه‌ریزی شده است که آن را در کتاب "تعلیم و تربیت در جهان امروز" عنوان کرده است. "طرح تدابیری که به احسن وجه با مناسب‌ترین صورت، از منابع موجود (یا ممکن الوجود) (به جهت نیل به هدفهای مطلوب استفاده کند" بنابراین برنامه‌ریزی فرایندی است مداوم، حساب شده و منطقی، جهت دار و دورنگر به منظور ارشاد و هدایت فعالیتهای جمعی برای رسیدن به هدف مطلوب (فیوضات، ۱۳۸۱).

اما تعریف برنامه درسی نیز با شکل‌های مختلف ذکر شده است. برنامه درسی طرح کلی و کلان یک فعالیت آموزشی است. (تیم وینتیلینگ، ۱۳۷۶) بنابراین در برنامه درسی تشخیص نیازها، تعیین اهداف، محتوای آموزشی، انتخاب روشها، تهیه مواد آموزشی، ارزیابی از برنامه و آموزش از مهمترین عناصر آن می‌باشد.

انواع برنامه‌ریزی برنامه‌ریزی متمرکز و غیر متمرکز

دهه‌های میانی قرن بیستم شاهد دو نوع برنامه‌ریزی متمرکز، برگرفته از نظام سوسیالیستی و برنامه‌ریزی غیر متمرکز، ناشی از نظام کاپیتالیستی بوده است. در نظام متمرکز، معمولاً برنامه‌ریزی برای کل سیستم یا سازمان و یا کشور به صورت یکسان انجام می‌گیرد و برای اجرا به کلیه واحدهای تابعه ابلاغ می‌گردد. در این برنامه‌ریزی، سطوح پایین‌تر سازمان دخالتی در برنامه‌ریزی نداشته و راه ارتباط و تبادل نظر بین برنامه‌ریزان سطح بالای سازمان و مجریان واقعی برنامه‌ها در سطوح پایین

تر تقریباً مسدود است. در نظام برنامه ریزی متمرکز، ارتباط به صورت یکطرفه و از جانب مقامات در سطوح بالا به طرف مجریان در سطوح پایین تر جریان دارد و امکان تبادل نظر و طرح مسایل اجرایی و مشکلات مبتلابه و ارایه راه حل ها مناسب و ممکن از سوی مجریان برنامه -که از نزدیک با مسایل و مشکلات و نقاط قوت و ضعف برنامه ها آشنایی بیشتر دارند- وجود ندارد.

در نظام برنامه ریزی غیر متمرکز، تصمیمات در پایین ترین سطوح یعنی واحد های اجرایی اتخاذ می گردد و برنامه در سطوح بالاتر تدریجاً تکمیل می شود. تصمیمات در هر سطح با توجه به نیازها، شرایط و امکانات موجود در آن سطح و در هماهنگی و ارتباط با نیازها و امکانات در سطوح دیگر اتخاذ می شود. در نظام برنامه ریزی غیر متمرکز، ارتباط به صورت دو طرفه و در تمام سطوح جریان دارد و امکان شرکت گروه های مختلف، به ویژه مجریان برنامه در فرآیند تصمیم گیری در حد گسترده ای وجود دارد. لذا، توجه به نیازها، امکانات و انتظارات در مناطق مختلف کشور یا سازمان بیشتر لحاظ می گردد. (شریعتمداری ۱۳۶۵)

نقش برنامه ریزی درسی در پیشرفت تحصیلی

برنامه درسی اساساً یک سری فعالیتها و اهداف نتیجه یادگیری مربوط برای هر موضوع است. برنامه درسی به عنوان یک نقشه عالی، مشخص می کند که شما باید کجا بروید و چگونه می توانید به اهداف برسید. برنامه درسی یک شبه ایجاد نمی شوند بلکه مقدار زیادی فکر، وقت، تلاش و تخصص برای پیشرفت لازم است. برنامه درسی مسیر ثابت و یک ساختار ارائه می دهد. اهداف بزرگتر یادگیری به اهداف مشخص و کوچکتر برای رسیدن به نتایج مطلوب تقسیم می شوند. به این ترتیب، شما می توانید اهداف بزرگ خود را تصور کنید و بهتر درک کنید که چگونه دروس کوچکتر به شما در آموزش مفاهیم کلی کمک می کنند.

یک برنامه درسی خوب به عنوان یک مرجع برای اطمینان از اینکه در مسیر درست قرار دارید، عمل می کند. مولفه های آن برای توسعه مفاهیم، از یک سطح ابتدایی تا موضوعات یا مهارت های پیچیده تر، طراحی شده اند. پیشرفت ضروری است و اسناد درسی کمک می کنند تا این یادگیری متوالی باشد. اهداف هر حوزه درسی فقط برای دانش آموزان نیست بلکه برای معلمان نیز هستند. در برنامه درسی

برای آنچه در یک سال مشخص باید آموزش دهند تعیین می‌شود و دانش آموزان برای آنچه باید یاد بگیرند اهدافی دارند. اهداف مشترک، به معلمان کمک می‌کند تا روش تدریس خود را با نیازهای تحصیلی دانش آموزان هماهنگ کنند و از موفقیت آنها اطمینان حاصل کنند.

فراتر از ایجاد اهداف مشترک بین معلمان و دانش آموزان، برنامه درسی همچنین اهداف یادگیری را برای یک مدرسه استاندارد می‌کند و راهی روشن برای پیشرفت دانش آموزان از یک کلاس به کلاس دیگر فراهم می‌کند. دانش آموزان باید قبل از اینکه به سراغ موضوعات پیشرفته بروند، از شایستگی‌های اصلی خاصی برخوردار باشند، مانند تسلط بر جبر، قبل از اینکه اقدام به حساب کنند. برای یک برنامه درسی استاندارد، مربیان باید اهداف یادگیری خود را ایجاد کنند و به نوعی با یکدیگر هماهنگی کنند تا از پیشرفت دانش آموزان اطمینان حاصل کنند.

سرانجام، پذیرفتن برنامه درسی برای معلم و دانش آموزان ارزشمند است زیرا این یک برنامه ثابت نیست. اسناد مرتباً بازبینی و به روز میشوند تا نیازهای فعلی دانش آموزان و جامعه را منعکس کنند. برخی مهارت‌ها یا اهداف یادگیری ممکن است با گذشت زمان مورد پسند واقع شوند و یا به طور کلی با اهداف مناسب تری جایگزین می‌شوند. به عنوان یک معلم، می‌دانید که در یک سال تحصیلی وقت کافی برای یادگیری همه چیز وجود ندارد.

این روزها مهارت‌های فنی در لیست نیازها بسیار بالاست. دانش آموزان برای اینکه در دنیای مدرن به خوبی عمل کنند، باید اهل فن باشند و معلمان و مدارس وظیفه دارند آنها را برای این امر آماده کنند. بنابراین شاید لازم باشد این مهارت‌های اساسی را آموزش دهیم.

تغییر مثبت و مهم دیگر در برنامه درسی تابعیت جهانی بوده است. دانش آموزان در مورد چگونگی وجود و مشارکت در جهانی که به طور فزاینده‌ای در هم تنیده و بهم پیوسته است، بیشتر می‌آموزند. مسائل جهانی به روشی متفاوت از گذشته بر همه تاثیر می‌گذارد. عمدتاً به دلیل فناوری، ما به گونه‌ای با هم ارتباط برقرار کرده ایم که نسل‌های قبلی تجربه نکرده‌اند و دانش آموزان باید بتوانند نقش خود را در این جامعه جهانی هدایت کنند. (خوی نژاد ۱۳۷۲)

برای یک برنامه ریزی موفق باید در ابتدا اهداف خود را تعیین کنید. بعضی از اهداف بلند مدت و بعضی دیگر کوتاه مدت هستند. برنامه‌های کوتاه مدت ممکن است برای یک هفته و یا یک ماه باشد.

ممکن است یک هفته فرصت داشته باشیم تا خود را برای یک آزمون آماده کنیم و اهداف بلند مدت آماده شدن برای کنکور و قبولی در یکی از دانشگاه های مورد نظر است. بعد از تعیین اهداف تمام موضوعاتی را که باید برای رسیدن به هدف خود مطالعه کنید را یادداشت کنید. و در این مرحله کتاب های را که باید مطالعه کنید را تعیین کنید. بعد دروس را اولویت بندی کنید. دروس مشکل و ساده را از هم تفکیک کرده و همچنین دروسی را که مهمتر هستند را تعیین کنید و زمان بیشتری را برای مطالعه آن ها تعیین کنید. زمان هایی را که وقت برای مطالعه دارید را تعیین کنید و آن ها را تقسیم بندی کنید و هر قسمت را برای مطالعه یک موضوع بگذارید. برای مطالعه های غیر درسی هم حتما وقت بگذارید. (فیوضیات ۱۳۷۵)

دلایل ضرورت نیاز به برنامه درسی

برنامه درسی به فرآیند آموزش نظم می بخشد و روند کار را معین می سازد. دیده می شود که در بیشتر محیط های آموزشی و پرورشی مسئولیت فراهم کردن دوره های آموزشی به متخصصان واگذار می شود. گفتنی است که متخصص بودن در یک موضوع نیازمند رعایت چارچوب ویژه برنامه ریزی درسی است. تهیه برنامه درسی، برنامه ریزان درسی را در رسیدن به اهداف مورد نظر یاری می کند. برنامه ریزی درسی برای آموزش گروه یا جمعیتی از فراگیرندگان، نیازمند اطلاعات گوناگونی است. منابع انسانی کلید توسعه هر جامعه ای به شمار می آیند. هر اندازه برنامه ریزی برای آموزش نظامدارتر باشد، بهره برداری از پتانسیل نیروی انسانی بهتر خواهد بود. برنامه ریزی درسی که تمهید و ابزاری برای تدوین نظامدار برنامه درسی است، به متخصصان نظام آموزش و پرورش در پرورش نیروی انسانی کارآمد کمک می کند. برنامه های درسی نظامدار آموزش و پرورش به دست اندر کاران کمک می کند تا بتوانند ضمن ارزشیابی و نظارت کافی به جریان اجرای برنامه های آموزشی، در حفظ، اصلاح و پرورش آن بکوشند.

زمان اقدام به برنامه ریزی درسی

اثربخش ترین زمان در برنامه ریزی درسی، وقتی است که نیازی برای برآوردن وجود دارد. روشن است که هر برنامه ریزی ای برای رفع نیازی صورت می گیرد. نیازها صورت های گوناگونی دارند.

برخی از آن‌ها فوری‌اند و برخی دیگر نیستند. نیازهایی را که معلمان برای برآوردن آن‌ها برنامه ریزی می‌کنند، نیازهایی هستند که باید بصورت روزانه برآورده شوند. برای مثال دانش‌آموزان دوره ابتدایی، مطابق جدول زمانی که برای درس علوم در نظر گرفته می‌شود، باید در هر جلسه درس برای رفع نیازهایی تلاش کنند. به سخن ساده‌تر در قالب نیازهای مشخص، اهدافی در نظر گرفته می‌شود. همچنین در قالب کتاب‌های درسی اهدافی طرح شده است که دانش‌آموزان در هر جلسه یا در طی چند جلسه به برخی از آن‌ها دست می‌یابند و بدین ترتیب در پایان دوره درسی، پاره‌ای از این نیازها برآورده می‌شود. افزون بر وجود نیاز برای برنامه ریزی درسی، الزامی است کسانی که به امر برنامه ریزی اقدام می‌کنند، مهارت مورد نیاز را کسب کرده باشند. نتیجه برنامه ریزی توسط شخص غیر ماهر، چندان امیدوارکننده نیست. کسب مهارت برنامه ریزی درسی از طریق انواع کارآموزی‌ها در محیط‌های گوناگون میسر است. علاوه بر دو اصلی که پیشتر اشاره شد، برنامه ریز درسی باید به مبانی روان‌شناسی یادگیری، جامعه‌شناسی و فلسفه مسلط بر اجتماع، آگاهی کامل داشته باشد. بدون چنین پیش‌نیازی برنامه درسی ارزش اجرایی نمی‌یابد. الزامی است کسانی که مسئولیت برنامه ریزی درسی را می‌پذیرند، در زمینه‌های اشاره شده مطالعاتی داشته باشند. (مشایخ ۱۳۸۱)

اهمیت برنامه ریزی درسی

برنامه درسی را می‌توان به سه گروه "برنامه درسی مورد انتظار آنچه که در فهرست دروس و یا هدف‌های یادگیری مندرج است برنامه درسی اجرا شده آنچه که معلمین عملاً تدریس می‌کنند در زبان پژوهش به آن اغلب فرصت یادگیری می‌گویند و برنامه درسی فرا گرفته آنچه که کودکان واقعاً یاد می‌گیرند تقسیم نمود. شواهد زیادی وجود دارد مبنی بر اینکه تقاضای برنامه درسی در پیشرفت تحصیلی مؤثر است. به طور خلاصه می‌توان اظهار داشت که اگر دانش‌آموزان فرصت یادگیری چیزی را داشته باشند، معمولاً "آن را فرا می‌گیرند و اگر این فرصت برای آنها فراهم نباشد، از یادگیری آن محروم خواهند شد. به عبارت دیگر، هر چه میزان تقاضا در "برنامه درسی مورد انتظار" با ثابت فرض کردن بقیه عوامل بیشتر باشد، کودکان بیشتر یاد خواهند گرفت. بسیاری از کشورهای در حال توسعه دارای مراکز برنامه ریزی درسی هستند، گرچه در بسیاری از کشورها برنامه‌های درسی برای رهایی از نفوذ برنامه‌های قدرت‌های استعماری گذشته به صورت "ملی"

تدوین شده اند، هنوز در برنامه های درسی برخی از کشورها این وضعیت وجود ندارد و یا آنکه در طرف دیگر طیف به آنچه که در دیگر کشورها کودکان برای یادگیری بخصوص در زمینه خواندن، ریاضیات و علوم دارند، توجه کافی مبذول نشده است. دو مقوله باید مورد توجه قرار گیرد یکی تکنولوژی برنامه ریزی درسی (Lewy 1978) و دیگری عوامل تعیین کننده برنامه درسی، بسیاری از عوامل مطالعات اندکی نیاز دارند که مراکز برنامه ریزی درسی باید به انجام آن توجه داشته باشند. تمایل به افزودن مطالب بیشتری به برنامه های درسی مشاهده می شود بدون آن که هرگز چیزی از آن کاسته شود. اخیراً حرکت هایی برای پیراسته کردن برنامه های درسی دیده می شود زیرا وضعیت کنونی و انباشتگی مطالب از جمله عوامل استاندارد پایین آموزشی به شمار می رود. برنامه های درسی باید با دقت جرح و تعدیل شوند و باید توجه کرد که مدارس حداقل آنچه را که فارغ التحصیلان برای شروع به کار نیاز دارند به کودکان بیاموزند دانش آموزان باید همچنین پایه لازم را برای اینکه بتوانند به یادگیری پس از فارغیت از تحصیل ادامه دهند و محتوایی را که بعداً به آن ها آموخته می شود، سریعاً بیاموزند، در مدرسه کسب کرده باشند. برنامه های متعددی نظیر ادغام آموزش و کار تولیدی یا اضافه شدن موضوعات پیش حرفه ای به برنامه های درسی مورد آزمایش و تجربه قرار گرفته اند. ارزشیابی از چنین برنامه هایی، مادامی که مسئله بیکاری حل نشده، تشویق به خود اشتغالی فارغ التحصیلان صورت نگرفته یا منابع مورد نیاز افزایش نیافته است، ناامید کننده به نظر می رسد. (مشایخ ۱۳۷۴)

بر اساس برخی از مطالعات، در حقیقت آن چه که برای خود اشتغالی بزرگسالان در مناطق روستایی و شهری بصورت بالقوه از سودآوری بیشتری برخوردار است، سواد آموزی و مهارت های محاسبه، دانش کشاورزی و یا تا حدودی دانش علمی است. از نقطه نظر مسائل تعلیم و تربیت، به نظر می رسد برخی از این برنامه های حرفه آموزی اگر معلمان از انگیزه کاری بالایی برخوردار بوده و آموزش موضوعات علمی را با آموزش مطالب نظری برای درک بهتر آن مطالب پیوند داده باشند کم و بیش نتایج جالبی دارند موفقیت آنها در حقیقت تا حدود زیادی به منابعی که در اختیار بوده است بستگی دارد. برنامه های درسی اغلب مورد انتقاد قرار می گیرند و سبب عدم پیشرفت تحصیلی تلقی می شود. معمولاً در این امر عوامل عدیده ای دخالت دارند و دانش کم معلم نیز به وضوح یکی از مشکلاتی است که در بعضی از کشورها دلیل شکست برنامه های درسی می باشد. (ملکی ۱۳۸۱)

ضرورت و فواید برنامه ریزی درسی برای دانش آموزان

- ۱- برنامه ریزی درسی تمرکز دانش آموز را افزایش می دهد. به شرطی که با فرآیند ذهنی بچه ها مطابقت داشته باشد و پراکندگی نداشته باشد.
- ۲- اگر منظم و منطقی باشد، به درس خواندن دانش آموز نظم می دهد.
- ۳- یک برنامه درسی منظم و استاندارد علاقه ی دانش آموز به درس خواندن زیاد می شود.
- ۴- به مطالعه کردن کم کم علاقه پیدا می کنند و دوست دارند بیش تر مطالعه کنند.
- ۵- با داشتن یک برنامه درسی منظم، زمان آن ها نیز تنظیم می شود و در وقت خود صرفه جویی می کنند.
- ۶- نسبت به تحصیلات خود در آینده چشم انداز پیدا می کنند.
- ۷- برنامه درسی صحیح باعث مطالعه ی بیشتر و در نتیجه تقویت حافظه ی دانش آموز می شود و احساس می کند که باهوش است.
- ۸- اعتماد به نفس در آن ها تقویت می شود.
- ۹- یاد می گیرند که وظایف خود را اولویت بندی کنند و همه کارهایشان را به خوبی انجام دهند.
- ۱۰- معمولا بعد از یک هفته از برنامه ریزی و اجرای آن، موانع یادگیری آن ها مشخص می شود. (مشایخ ۱۳۸۱)

نتیجه گیری

ضرورت برنامه ریزی برای هر سازمان و موسسه به اندازه ای روشن است که نیاز به تبیین و توجیه ندارد و برنامه ریزی برای سازمان به اندازه تنفس برای يك موجود زنده اهمیت دارد. برنامه ریزی بدون رعایت اصول برنامه ریزی معنایی ندارد چرا که این اصول راهنمای عمل بوده و در جریان تهیه و اجرای برنامه های آموزشی تاثیر زیادی دارد. يك برنامه ریز تا زمانی که سیر حرکت خود را به خوبی شناسد موفق نخواهد شد بدون شك هر اندازه برنامه ریزان نسبت به واقعیت ها آگاهی بیشتری کسب کنند و در خصوص تاثیر پذیری برنامه ها از واقعیات شناخت بیشتری و دقیق تری داشته باشند و واقع بینی در برنامه ریزی ها لحاظ شود می توانند به موفقیت برنامه هایشان امید وار باشند. فرآیند برنامه ریزی قبل از هر اقدامی باید هدفهای آموزشی برای توسعه آموزش از نظر کمی و کیفی، در

طول زمان مورد نظر بعنوان نخستین مرحله تدوین شود یعنی اهدافی که در جریان اجرای یک برنامه آموزشی می‌خواهیم بدان دست یابیم مشخص گردد سپس منابع مورد نیاز برای تحقق بخشیدن به هدفهای آموزشی تعیین شود و این مرحله شامل پیش بینی منابع آموزشی، امکانات آموزشی، اقتصادی و مالی مورد نیاز برای اجرای یک برنامه است که بدون در نظر گرفتن آن تحقق اهداف آموزشی میسر و ممکن نخواهد بود. تعیین منابع مورد نیاز در برنامه آموزشی نیز همانند اهداف از دو جنبه کمی و کیفی برخوردار است. تعیین منابع در واقع آزمون تلخی است که برای سنجش میزان واقع بینانه بودن مرحله نخست تدوین اهداف برنامه های آموزشی. اگر تعداد نیروهای انسانی مورد نیاز، امکانات آموزشی و میزان بودجه مورد نیاز تخصیص و تامین نگردد تمام معادلات و محاسبات را مختل خواهد کرد برای رسیدن به برنامه ریزی معقول در فرآیند برنامه ریزی که در مرحله بعدی قرار دارد تعیین اولویت و نیازهای لازم برای اجرا یک برنامه می باشد تا براساس آن سیاستگذاری و طراحی صورت گیرد و راهبردهای اجرایی پیشنهاد گردد بعد از این مرحله، مرحله حساس اجرایی و پیاده کردن اهداف سیاستها خواهد بود. در فرآیند برنامه ریزی آموزشی موفق میزان درهم تنیدگی مراحل و سایر عوامل سازمانی ارتباط مستقیمی دارد و جز لاینفک توسعه و پیشرفت سازمانی است. بعد از اجرا در مرحله آخر برنامه های آموزشی و شاید مهمترین این مراحل ارزشیابی و ارزیابی مراحل و جمع بندی و گرد آوری آمار و اطلاعات برای بهبودی وضعیت موجود می باشد. البته نباید تلقی کرد که ارزشیابی بعنوان آخرین مرحله ارزش کمتری دارد بلکه باید این امر در پایان تمام مراحل و بصورت موردی صورت گرفته تا کم و کاست برنامه ریزی مشخص گردیده و نقاط قوت و ضعف آن مشخص گردد و در این خصوص سیاستهای لازم اتخاذ گردد در اینجا است که زنجیره برنامه ریزی آموزشی به ارزشیابی آموزشی منتهی می شود. در واقع فرآیند برنامه ریزی محصول برقراری تعامل و ارتباط بین وضع مطلوب آموزشی و وضع موجود در نظام آموزشی بوده که برنامه ریزان آموزشی باید در فرآیند برنامه ریزی این تعامل و تعادل را در تمام مراحل برقرار نمایند. در برنامه ریزی درسی، ابتدا هدف های کلی مشخص می شوند و بر اساس این اهداف، خط مشی برنامه ی درسی تنظیم می گردد. مهم ترین مواردی که در برنامه ریزی درسی باید در نظر گرفته شوند، عبارت اند از: تدوین مطالب آموزشی، انتخاب مواد و وسائل، نحوه ی اجرای برنامه و سنجش تحصیلی. تکنولوژیست آموزشی زمینه های اجرای برنامه ی درسی را با مواد آموزشی مشخص و روش های مناسب یادگیری فراهم می کند. او هم چنین، مشخص می کند که شاگردان چه نوع مهارت ها و معلوماتی را بر مبنای برنامه ی درسی و

محتوای آن احتیاج دارند و طرح لازم برای کسب مهارت ها و اخذ معلومات را تهیه می‌کند. به این ترتیب، تکنولوژی آموزشی و برنامه ریزی درسی ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر دارند. زیرا هدف هر دو، طراحی فرصت های مناسب برای یادگیری بهتر یادگیرنده و حداکثر بهره وری از این فرصت هاست. هر دو رشته شامل مراحل طراحی، اجرا و ارزش یابی هستند. برنامه ریزی درسی عامل تحقق اهداف برنامه های آموزشی و تکنولوژی آموزشی عامل تحقق هدف های برنامه ی درسی است. بر این اساس، برنامه ریزی درس مجموعه فعالیت هایی تلقی می شود که میان عناصر اصلی برنامه های درسی هدف، محتوا، روش و ارزشیابی ارتباط برقرار می کند، اما زمینه ی ایجاد تغییر و تحول در نظام برنامه ی درسی از طریق تکنولوژی آموزشی به وجود می آید. در واقع، برنامه ریزی درسی و تکنولوژی آموزشی در کنار هم و با بهره مندی از یکدیگر می توانند فرایند آموزش را تسهیل کنند. بنابراین رابطه ی این دو رابطه ای طولی است و با یکدیگر هم پوشی دارند. برنامه ریزی آموزشی که برنامه ریزی درسی را نیز شامل می شود، عبارت است از کاربرد روش تحلیلی در مورد هر یک از اجزای نظام آموزشی و برنامه ریزی برای آن ها به منظور استقرار یک نظام آموزشی کارآمد. در برنامه ریزی آموزشی، برنامه های کلان در سطح ملی، منطقه ای، قاره ای و جهانی، به وسیله ی سازمان های آموزشی تهیه می شوند. این برنامه ها صرفاً جنبه های کمی و اجرایی دارند و مبنای کار برنامه ریزان درسی قرار می گیرند. پس از تهیه ی برنامه های کلان و اساسی به وسیله ی برنامه ریزان آموزشی، نوبت به برنامه ریزان درسی می رسد تا برنامه های کیفی و محتوایی هر یک از تخصص های مورد نیاز را تهیه، ارائه و اجرا کنند. (بازرگان ۱۳۷۴)

منابع

۱. ملکی، حسن، برنامه ریزی درسی، راهنمای عمل، مشهد: پیام اندیشه. 1380،
۲. پروند، محمدحسن، مقدمات برنامه ریزی آموزشی و درسی، تهران: انتشارات صحیفه. 1369،
۳. پورظهیر، تقی، برنامه ریزی آموزشی و درسی، تهران: انتشارات آگه. 1369،

۴. شریعتمداری، علی، جامعه و تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات امیرکبیر. 1365،

۵. فیوضات، یحیی، مبانی برنامه ریزی آموزشی و درسی، تهران: مؤسسه نشر ویرایش. 1375،

۶. گالن سیلور، جی و دیگران برنامه ریزی درسی برای تدریس و یادگیری، ترجمه: غلامرضا خوی
نژاد، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی. 1372،

۷. لوی، الف، مبانی برنامه ریزی آموزشی - برنامه ریزی درسی در مدارس، ترجمه: فریده مشایخ،
تهران: انتشارات مدرسه. 1375،

۸. مشایخ، فریده ترجمه برنامه ریزی درسی در مدارس، تهران: انتشارات دفتر امور کمک آموزشی،
1381.

۹. مشایخ، فریده ترجمه، فرآیند برنامه ریزی آموزشی، تهران: انتشارات مدرسه. 1374،

۱۰. کافمن، راجر و هرمن، جری برنامه ریزی استراتژیک در نظام آموزشی. بازاندیشی، بازسازی
ساختارها، بازآفرینی، ترجمه: فریده مشایخ و عباس بازرگان، تهران: انتشارات مدرسه. 1374،